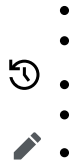




این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.  
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی [www.wikifeqh.ir](http://www.wikifeqh.ir) مراجعه فرمایید.



## امت

برای مقالات مرتبط، [امت \(مفردات‌البلغه\)](#) را ببینید.

امت به معنی [قوم](#)، [قبیله](#) و نیز ملت یا جامعه‌ای مذهبی که تحت لوای [هدایت](#) یک [پیامبر](#) قرار دارد.

### فهرست مندرجات

#### ۱ - تعریف واژه امت

##### ۱.۱ - واژه امت در قرآن کریم

#### ۲ - ابعاد مختلف مفهوم امت در فرهنگ اسلامی

##### ۲.۱ - امت اسلامی جانشین امت‌های پیشین

##### ۲.۲ - امت وارث زمین

##### ۲.۳ - مصون بودن امت از خطا

##### ۲.۴ - امت و سنت

##### ۲.۴.۱ - علما وارثان نبوت

##### ۲.۴.۲ - امام معصوم جانشین نبوت

##### ۲.۵ - وحدت و اختلاف امت

##### ۲.۶ - امت در مسیر تاریخ

##### ۲.۷ - امر به معروف و نهی از منکر مهم‌ترین شأن امت

##### ۲.۸ - وحدت امت و سلطه سیاسی

##### ۲.۹ - امت و سلطه

#### ۳ - فهرست منابع

#### ۴ - پانویس

#### ۵ - منبع

#### ۱ - تعریف واژه امت

أُمَّت، واژه‌ای با بُرد معنایی بسیار وسیع که می‌تواند جامع مفاهیمی چون [قوم](#)، [قبیله](#)، [عشیره](#)، گروه‌های نژادی و نیز ملت یا جامعه‌ای مذهبی که تحت لوای [هدایت](#) یک [پیامبر](#) قرار دارد، باشد.

[۱] عبدالمجید ترکی، «اجماع امت مؤمنان»، ج ۱، ص ۳۰، از جوهر عقیدتی تا واقعیت تاریخی»، تحقیقات اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش، س ۴، شم ۱-۲.

این واژه بار اسلامی دارد، ولی با این [وصف](#)، در [قرآن](#) بر غیر مسلمانان نیز اطلاق شده است، و از این رو، می‌تواند به معنای «[شعبی](#)» نیز نزدیک باشد. با این‌همه، معنای اصطلاحی امت، چنانکه ماسینیون اشاره کرده، جماعتی از مردم است که [خداوند](#) برای آنان پیامبری مبعوث کرده، و آنان به او [ایمان](#) آورده، و از این رو، با خداوند [بیمان](#) بسته، و با او ارتباط یافته‌اند.

اما همان‌طور که یاد شد، واژه امت در معنایی نزدیک به شعب نیز به کار می‌رود

[۲] محمد فارابی، آراء اهل المدینة الفاضلة، ج ۱، ص ۱۱۷، به کوشش البیر نصری نادر، بیروت، ۱۹۷۳م.

[۳] ابوالفداء، تقویم البلدان، ج ۱، ص ۲۲۲، به کوشش رنو و دوسلان، پاریس، ۱۸۴۰م.

طبعاً در این کاربرد مقصود از امت گروه بزرگی از مردم است که دارای زبان یکسان یا [دین](#) واحد و یا سرزمین جغرافیایی یکسانی هستند.

واژه امت در **قرآن** کریم ۶۵ بار به صورت مفرد یا جمع آمده است.

در قرآن امت به معنی مردم

[۴] **بقره /سوره ۲، آیه ۲۱۳.**

و یا عده‌ای از انسانها که با یکدیگر پیوند دینی دارند،

[۵] **آل عمران /سوره ۳، آیه ۱۱۰.**

[۶] **بقره /سوره ۲، آیه ۱۴۳.**

آمده و در **حدیث** که بارها به صورت‌های «امت محمد»، یا «امتی» (از زبان پیامبر)، یا «أمت» وارد شده، به معنی جماعتی به کار رفته است که از یک پیامبر پیروی می‌کنند. «أمت» نیز به معنی اقوام پیشین و ملت‌هایی که خداوند برای آنان پیامبری گسیل داشته، به کار رفته است.

[۷] **عبدالمجید ترکی، «اجماع امت مؤمنان، ج ۱، ص ۳۰، از جوهر عقیدتی تا واقعیت تاریخی»، تحقیقات اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش، س ۴، شم ۱-۲.**

به هر حال، امت افزون بر مفهوم دینی خود، می‌تواند به مفهوم همبستگی زبانی، فرهنگی، طبیعی، یا نژادی،... نیز باشد.

## **۲ - ابعاد مختلف مفهوم امت در فرهنگ اسلامی**

در اینجا ابعاد مختلف مفهوم امت در فرهنگ اسلامی در چند عنوان مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### **۲.۱ - امت اسلامی جانشین امت‌های پیشین**

نخستین نکته در بلب امت **پیامبر خاتم - صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم**- این است که این امت نیز همچون امت‌های پیشین **مخاطب وحی** الهی قرار گرفته، و حامل **رسالت** الهی شده است. رسالت پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم- نیازمند امتی است که ضمن پذیرش و **ایمان** به آن و حفظ و نگاهبانی از آن، آن را به دیگر امت‌ها منتقل کند و از این رو، وظیفه **تبلیغ** آن بر عهده امت است.

بنابراین، امت **حافظ وحی الهی** در تاریخ است.

[۸] **عبدالحمید کاتب، رسائل، ج ۱، ص ۲۱۱، به کوشش احسان عبس، عمان، ۱۹۸۸م.**

[۹] **محمد باقلانی، اعجاز القرآن، ج ۱، ص ۴۸، به کوشش احمد صقر، قاهره، دارالمعارف.**

[۱۰] **عبدالحمید ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۴۱، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۸-۱۳۸۴/ق ۱۹۵۹-۱۹۶۴م.**

[۱۱] **احمد ابن تیمیه، رساله الی السلطان الملک الناصر فی شأن التتار، ج ۱، ص ۹-۱۰، به کوشش صلاح‌الدین منجد، بیروت، ۱۹۷۶م.**

قرآن خود بر مسأله حفظ و نگاهبانی از **ذکر** (قرآن) تاکید کرده است.

[۱۲] **حجر /سوره ۱۵، آیه ۹.**

[۱۳] **احمد بیهقی، دلائل النبوة، ج ۱، ص ۵۴، به کوشش احمد صقر، قاهره، ۱۳۸۹/ق ۱۹۷۰م.**

این امت، امتی برگزیده است

[۱۴] **آل عمران /سوره ۳، آیه ۱۱۰.**

و بنا بر روایات، حتی **تورات** به آن مژده داده است.

[۱۵] **قاضی عبدالجبار، تثبیت دلائل النبوة، ج ۲، ص ۳۵۲-۳۵۳، به کوشش عبدالکریم عثمان، بیروت، ۱۳۸۶/ق ۱۹۶۶م.**

[۱۶] **احمد بیهقی، دلائل النبوة، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۴۰، به کوشش احمد صقر، قاهره، ۱۳۸۹/ق ۱۹۷۰م.**

این امت، امت فرجامین است و امت «**آخر الزمان**» امت **پیامبر خاتم - صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم**-

[۱۷] **محمد بخاری، صحیح، ج ۲، ص ۳۸۰، به کوشش کرل، لینن، ۱۸۶۲-۱۹۰۸م**

[۱۸] **عبدالله دارمی، سنن، ج ۲، ص ۲۲۱، به کوشش عبدالله هاشم یمانی، مدینه، ۱۳۸۶/ق ۱۹۶۶م.**

[۱۹] **محمد ابن ماجه، السنن، ج ۱، ص ۳۴۴، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، ۱۳۷۲/ق ۱۹۵۲م.**

پیامبر این امت، پیامبر خاتم است که در پایان سلسله‌ای از پیامبران و رسولان گذشته مبعوث شده است و در همان سنت انبیبای الهی که **مخاطب وحی** بوده‌اند، جای می‌گیرد.

[۲۰] **احقاف /سوره ۴۶، آیه ۹.**

در عین حال پیامبر امت آخرین، همانند انبیبای گذشته و **انبیبای بنی اسرائیل** نیست که فقط به سوی قومشان مبعوث می‌شدند، بلکه او برای همه مردم فرستاده شده بود.

[۲۱] **اعراف /سوره ۷، آیه ۱۵۷.**

[۲۲] **سبا /سوره ۳۴، آیه ۲۸.**

[۲۳] **۱۴۷، ۱۴۸، محمد باقلانی، التمهید، به کوشش محمود خضیری و محمد عبدالهادی ابوریده، قاهره، ۱۳۶۶/ق ۱۹۴۷م.**

[۲۴] **محمد ابویعلی، المعتمد فی اصول الدین، ج ۱، ص ۱۵۸، به کوشش ودیع حداد، بیروت، ۱۹۸۴م.**

### **۲.۲ - امت وارث زمین**

امت برگزیده حامل وحی الهی در **زمین**، و تمثیل و نماینده اراده الهی است. بنابراین، مقام جانشینی خداوند بر زمین در اصل از آن امت برگزیده است.

امت از همان آغاز بر اساس آیت قرآنی چنین دریافتی داشت که بنابر سنت الهی خلافت و جانشینی خداوند بر زمین، هم‌اینک **وارث** زمین شده است.

[۲۵] **انبیاء /سوره ۲۱، آیه ۱۰۵.**

از آنجا که رسالت نبوی، رسالتی جهانی بود، امت پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌آلوسلم- می‌بایست امر «دعوت» را سامان می‌داد و جهانی می‌کرد.

امت از طریق امر دعوت خواهد توانست که این رسالت جهانی را به جهانیان **تبلیغ** کند و بنابر وعده قرآنی زمین را در اختیار گیرد و وارث همه امت‌های پیشین شود.

[۲۶] توبه /سوره ۹، آیه ۳۳.

[۲۷] طبری، اختلاف الفقهاء، ج ۱، ص ۱-۲، لین، ۱۹۳۳م.

از این رو، دیری نیابید امت دریافت که می‌بایست امر دعوت را به بیرون از **جزیره العرب** گسترش دهد و پیام حضرت **رسول** - صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم - را به دیگر امتها تبلیغ کند.  
[۲۸] طبری، تاریخ، ج ۳، ص ۵۲۳.

## ۲.۳ - مصون بودن امت از خطا

**شافعی**، امت یا جماعت اسلامی را به عنوان جماعت **حافظ قرآن** و جماعت برگزیده خداوند، جماعتی می‌داند که بر خطا و برخلاف سنت پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم - **اجماع** نمی‌کنند.

اجماع تمامی امت نماینده **اراده الهی** است.

[۲۹] محمد شافعی، الرسالة، ج ۱، ص ۴۰۳، به کوشش احمد محمد شاکر، قاهره، ۱۳۵۸ق/۱۹۳۹م.

[۳۰] محمد شافعی، الرسالة، ج ۱، ص ۴۷۳-۴۷۶، به کوشش احمد محمد شاکر، قاهره، ۱۳۵۸ق/۱۹۳۹م.

[۳۱] محمد ابن ماجه، السنن، ج ۲، ص ۱۳۰۳، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، ۱۳۷۲ق/۱۹۵۲م.

[۳۲] مسائل الامامة، منسوب به ناشی اکبر، ج ۱، ص ۵۲، به کوشش فن اس، بیروت، ۱۹۷۱م.

از همین رو، در **فقه**، بحث اجماع به عنوان یکی از منابع فقه به میان آمده است.

حافظ (جماعت مسلمین) و محور شکل‌گیری جماعت و **وحدت** آن در اندیشه عالمان اسلام سنی بر دو پایه طاعت از امام و دیگری پیروی از سنت پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم - (و سنت سلف)، و به هر حال چیزی که علما آن را تبیین می‌کنند، است.

از این رو، در اندیشه اسلام سنی امت (جماعت) می‌بایست رشته ارتباط خود را با سلطه سیاسی از یک سو، و علما (و سنت جماعت) از سوی دیگر حفظ کند.

در اندیشه اسلام سنی علما به جانشینی از امت برگزیده، **خلیفه** خداوند بر زمین شمرده می‌شوند و به دلیل تبیین کتب **خدا** و **سنت** رسول - صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم -، جانشین پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم - و مرجع **تأویل قرآن** و بازتاب دهنده **اراده** و **سنت الهی** هستند و اجماع علما **کاشف** از **اجماع** امت خواهد بود.

[۳۳] محمد شافعی، الرسالة، ج ۱، ص ۴۷۱، به کوشش احمد محمد شاکر، قاهره، ۱۳۵۸ق/۱۹۳۹م.

[۳۴] محمد شافعی، الرسالة، ج ۱، ص ۵۳۴، به کوشش احمد محمد شاکر، قاهره، ۱۳۵۸ق/۱۹۳۹م.

[۳۵] احمد خطیب بغدادی، الفقیه و المتفقه، ج ۱، ص ۱-۲، به کوشش اسماعیل انصاری، بیروت، ۱۹۷۵م.

پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم - در اصل، هم حامل **وحی** الهی و به عبارت دیگر سخنگوی خداوند بود و هم وظیفه **تأویل** وحی را بر عهده داشت.

[۳۶] **نحل /سوره ۱۶، آیه ۴۳.**

[۳۷] احمد بیهقی، دلائل النبوة، ج ۱، ص ۵۴، به کوشش احمد صقر، قاهره، ۱۳۸۹ق/۱۹۷۰م.

پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم - **قرآن** و **شریعت** را به **اصحاب** خویش منتقل کرد و آنان نیز به نوبه خود آن را به امت پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم - منتقل کردند.

[۳۸] عبدالرحمن ابن جوزی، المنتظم، ج ۸، ص ۱۱۰، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۹ق.

## ۲.۴ - امت و سنت

امت از طریق سنت و پیروی از آن ارتباط خود را با پیامبر خویش در طول تاریخ نگاه می‌دارد، و سنت در واقع ضامن حضور و استمرار امت (جماعت) در تاریخ است. شافعی به طور برجسته در باب سنت سخن گفته است.

[۳۹] محمد شافعی، الرسالة، ج ۱، ص ۳۲، به کوشش احمد محمد شاکر، قاهره، ۱۳۵۸ق/۱۹۳۹م.

سنت پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌آلوه‌وسلم - را غایب از شاهد اخذ کرده، و به نسلهای بعدی امت منتقل کرده است.

[۴۰] ابراهیم، مشیخة ابن طهمان، ص ۱۶۵، به کوشش محطاهر مالک، دمشق، ۴۰۳ق/۱۹۸۳م.

[۴۱] احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۴، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۹ق/۱۹۶۹م.

[۴۲] احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۳۷، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۹ق/۱۹۶۹م.

[۴۳] محمد بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۲۸، به کوشش کرل، لین، ۱۸۶۲-۱۹۰۸م.

[۴۴] محمد بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۳۸، به کوشش کرل، لین، ۱۸۶۲-۱۹۰۸م.

[۴۵] محمد ابن ماجه، السنن، ج ۱، ص ۸۵-۸۶، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، ۱۳۷۲ق/۱۹۵۲م.

[۴۶] احمد خطیب بغدادی، شرف اصحاب الحديث، ج ۱، ص ۱۸، به کوشش محمد سعید خطیب اوغلی، آنکارا، ۱۹۷۱م.

امت، **سنت** را از طریق حاملان علم نبوی که **وارث**، حافظ و مبلغ آنند، اخذ و پیروی می‌کند.

در اندیشه اسلام سنی در واقع **ختم نبوت**، تنها در سایه وجود ابن عالمی می‌تواند محقق شود؛ عالمانی که می‌کوشند از سنت در برابر **بدعت** دفاع کنند و حافظ **وحدت** و تحقق **جماعت** باشند.

[۴۷] محمد ابن وضاح، البدع و النهی عنها، ج ۱، ص ۲، به کوشش محمد احمد دهمان، دمشق، ۱۴۰۰ق/۱۹۸۰م.

[۴۸] احمد خطیب بغدادی، شرف اصحاب الحديث، ج ۱، ص ۲۸، به کوشش محمد سعید خطیب اوغلی، آنکارا، ۱۹۷۱م.

## ۲.۴.۱ - علما وارثان نبوت

علما به ویژه در اندیشه اسلام سنی، با وجود مقاومت سلطه سیاسی در دو قرن اول هجری در این مورد، وارثان نبوت تلقی می‌شدند.

[۴۹] احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۱۹۶، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۹ق/۱۹۶۹م.

[۵۰] محمد بخاری، صحیح، ج ۱، ص ۲۸، به کوشش کرل، لینن، ۱۸۶۲-۱۹۰۸ م.

[۵۱] عبدالله دارمی، سنن، ج ۱، ص ۸۳، به کوشش عبدالله هاشم یمانی، مدینه، ۱۳۸۶/ق/۱۹۶۶ م.

[۵۲] محمد آجری، اخلاق العلماء، ج ۱، ص ۲۵-۲۹، به کوشش حسین خطب و فاروق حماده، دمشق، ۱۳۹۲/ق/۱۹۷۲ م.

علما سخت از نقش خود به عنوان بیانگر سنت نبوی دفاع می‌کردند و خود را واسطه میان پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - و امت در تعلیم شرایع دین می‌پنداشتند

[۵۳] مالک بن انس، الموطأ، به کوشش محمد فواد عبدالباقی، قاهره، ۱۳۷۰/ق/۱۹۵۱ م.

[۵۴] عبيدالله ابن بطة عكبري، الابانة عن شريعة الفرق الناجية، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۶، به کوشش رضا بن نعلسان معطی، ریاض، ۱۴۰۹/ق/۱۹۸۸ م.

## ۲.۴.۲ - امام معصوم جانشین نبوت

در اندیشه شیعی و به ویژه امامیه، امامت امام معصوم به عنوان جانشین نبوت در میان امت مطرح است، چه در اندیشه شیعی، مفهوم امت کاملاً متفاوت است و در همین راستا نظریه مصون بودن امت از خطا که در اسلام سنی مطرح شده است، جای خود را به نظریه عصمت امام در اندیشه شیعی امامی می‌دهد؛ از این رو، نقش علما در این دو منظومه دینی یکسان نیست و اجماع نیز در فقه شیعی امامی کاملاً با نظیر خود در عالم اهل سنت متفاوت است.

## ۲.۵ - وحدت و اختلاف امت

از نظر اهل سنت، آنچه به وحدت امت آسیب می‌رساند و موجب افتراق می‌گردد، پیروی از بدعت در برابر سنت است؛ اما در دیدگاه شیعه، انحراف از امام معصوم موجب این افتراق می‌شود.

بر طبق روایت منسوب به پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - امت به ۷۳ فرقه تقسیم می‌شود که از این میان تنها یک فرقه رستگار است.

[۵۵] احمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ص ۳۳۲، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۹/ق/۱۹۶۹ م.

[۵۶] احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۱۴۵، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۹/ق/۱۹۶۹ م.

[۵۷] احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۱۰۲، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۹/ق/۱۹۶۹ م.

[۵۸] عمرو ابن ابی عاصم، السنة، بیروت، ۴۰۰/ق/۱۹۸۰ م.

[۵۹] محمد ابن ماجه، السنن، ج ۲، ص ۱۳۲۲، به کوشش محمد فواد عبدالباقی، قاهره، ۱۳۷۲/ق/۱۹۵۲ م.

اهل سنت و جماعت، فرقه ناجیه را کسانی می‌دانند که به پیروی از جماعت ملتزمند (یعنی پیروان سنت و مطیعان امام یا خلیفه)

[۶۰] عبيدالله ابن بطة عكبري، الشرح و الابانة، ص ۸، به کوشش هانری لائوست، دمشق، ۱۹۵۸ م.

[۶۱] محمد شافعی، الرسالة، ج ۱، ص ۴۰۳، به کوشش احمد محمد شاکر، قاهره، ۱۳۵۸/ق/۱۹۳۹ م.

[۶۲] محمد ترمذی، سنن، ج ۴، ص ۴۶۶، به کوشش احمد محمد شاکر و دیگران، قاهره، ۱۳۵۷/ق/۱۹۳۸ م.

[۶۳] محمد ابن ماجه، السنن، ج ۲، ص ۱۳۰۲، به کوشش محمد فواد عبدالباقی، قاهره، ۱۳۷۲/ق/۱۹۵۲ م.

[۶۴] محمد حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۱، ص ۱۱۵-۱۱۷، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۴ ق.

گروهها، جماعتها و فرقه‌هایی که از امت (جماعت) منحرف می‌شوند و راه تفرقه در پیش می‌گیرند و وحدت جماعت را به مخاطره می‌اندازند، از نظرگاه اهل سنت، منحرف هستند.

[۶۵] انعم بسوره ۶، آیه ۱۵۳.

[۶۶] محمد ابن وضاح، البدع و النهی عنها، ج ۱، ص ۳۱، به کوشش محمد احمد دهمان، دمشق، ۱۴۰۰/ق/۱۹۸۰ م.

[۶۷] عبيدالله ابن بطة عكبري، الابانة عن شريعة الفرق الناجية، ج ۱، ص ۲۹۳-۲۹۵، به کوشش رضا بن نعلسان معطی، ریاض، ۱۴۰۹/ق/۱۹۸۸ م.

## ۲.۶ - امت در مسیر تاریخ

بحث سنت - بدعت در نظرگاه اهل سنت ارتباطی روشن با مسأله هویت و نقش و جایگاه تاریخی اهل سنت در تاریخ مقدس دارد: منظری که اهل سنت نسبت به خود در مسیر تاریخ قائل هستند.

از دیدگاه ایشان تا پیش از قتل خلیفه عثمان، امت بر مسیر سنت حرکت می‌کرد و وحدت آن مانع هرگونه تفرقه بود

[۶۸] محمد ابن وضاح، البدع و النهی عنها، ج ۱، ص ۳۲، به کوشش محمد احمد دهمان، دمشق، ۱۴۰۰/ق/۱۹۸۰ م.

فتنه از هنگام قتل عثمان آغاز شد و همین امر سبب افتراق گردید و فرقه‌هایی چون خوارج، رافضیه، قریه و مرجئه پیدا شدند؛ اما نکته مهم در این تصویرپردازی از تاریخ این است که امت همواره در کنار حضور و استمرار جماعت شاهد شرو و فتنه‌ها و بدعت‌هاست، ولی با این وصف، همواره جماعت حضور خود را استمرار خواهد بخشید.

[۶۹] احمد خطیب بغدادی، شرف اصحاب الحديث، ج ۱، ص ۸-۹، به کوشش محمد سعید خطیب اوغلی، آنکارا، ۱۹۷۱ م.

در عصر فتنه‌ها و بدعت‌ها، باید همواره جانب «جماعت مسلمین» و محوریت آن، یعنی «امام مسلمین» را گرفت و اگر جماعت به دلیل عدم وجود امام تحقق خارجی نداشت (و البته چنین چیزی به ندرت و فقط در وقت فتنه‌ها پیش می‌آید)، می‌باید از همه فرق دوری کرد و از همراهی با هر امامی اجتناب نمود و صرفاً ایمان خود را حفظ کرد.

این نکته در احادیث منسوب به پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - نیز تأیید شده است.

[۷۰] محمد ابن وضاح، البدع و النهی عنها، ج ۱، ص ۳۳-۳۴، به کوشش محمد احمد دهمان، دمشق، ۱۴۰۰/ق/۱۹۸۰ م.

[۷۱] احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۳۸۶، المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۹/ق/۱۹۶۹ م.

[۷۲] محمد بخاری، صحیح، ج ۴، ص ۳۷۲، به کوشش کرل، لینن، ۱۸۶۲-۱۹۰۸ م.

## ۲.۷ - امر به معروف و نهی از منکر مهم‌ترین شأن امت

جامعه اسلامی اساساً بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر قوام می‌گیرد.

دعوت مهم‌ترین وظیفه امت در تاریخ مقدس است. الگوی دعوت در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است.

[۱۷۳] [ل عمران /سوره ۳، آیه ۱۱۰.](#)

[۱۷۴] [حج /سوره ۲۲، آیه ۴۱.](#)

[۱۷۵] [اعراف /سوره ۷، آیه ۱۵۷.](#)

[۱۷۶] [اعراف /سوره ۷، آیه ۱۶۵.](#)

با اصل امر به معروف و نهی از منکر، امت اسلامی با جهان بیرون از خود مواجه می‌شود و همین امر نیز زمینه **جهاد** را فراهم می‌کند؛ zgt;wnj& می‌نماید. در اینکه امت چگونه و از طریق چه نهاد و یا شخصی، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را سامان می‌دهد، اختلاف بوده است؛ اما علما بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که این امر وظیفه همگی امت است.

[۱۷۷] [توبه /سوره ۹، آیه ۷۱.](#)

[۱۷۸] [احمد خلال، الامر بالمعروف والنهي عن المنکر، ج ۱، ص ۱۰۵، به کوشش عبدالقادر احمد عطا، قاهره، ۱۳۹۵/ق ۱۹۷۵م.](#)

[۱۷۹] [احمد خطیب بغدادی، شرف اصحاب الحديث، ج ۱، ص ۴۶، به کوشش محمد سعید خطیب اوغلی، آنکارا، ۱۹۷۱م.](#)

[۱۸۰] [احمد ابن تیمیه، الامر بالمعروف والنهي عن المنکر، ج ۱، ص ۱۵-۱۶، به کوشش صلاح‌الدین منجد، بیروت، ۱۳۹۶/ق ۱۹۷۶م.](#)

سلطه سیاسی همواره این وظیفه را تنها برای خویش محفوظ می‌دانسته، و خود را نماینده امت در اجرای آن می‌پنداشته است.

[۱۸۱] [محمد غزالی، احیاء علوم‌الدین، ج ۲، ص ۲۷۸-۲۷۹، قاهره، ۱۳۸۹ق.](#)

به هر حال، اعتقاد عمومی چنین بوده است که امت می‌تواند با نهادهای مدنی خود (و از جمله علما) حتی در برابر سلطه سیاسی از حق دینی امر به معروف و نهی از منکر بهره‌گیرد.

[۱۸۲] [محمد ابویعلی، المعتمد فی اصول‌الدین، ج ۱، ص ۱۹۷، به کوشش ودیع حداد، بیروت، ۱۹۸۴م.](#)

[۱۸۳] [محمد غزالی، احیاء علوم‌الدین، ج ۲، ص ۲۷۳، قاهره، ۱۳۸۹ق.](#)

## ۲.۸ - وحدت امت و سلطه سیاسی

از دیدگاه **اسلام سنی** مهم‌ترین رکن استمرار و حضور **جماعت**، تضمین **وحدت** آن است.

وحدت جماعت تنها در سایه **طاعت** از **امام** یا **خلیفه**، و **تضمین** وحدت آن و **وحدت ارض** محقق می‌شود، از این رو، همواره بر ضرورت طاعت امام برای حفظ وحدت امت تأکید شده است.

[۱۸۴] [محمد بخاری، صحیح، ج ۴، ص ۳۸۵، به کوشش کرل، لینن، ۱۸۶۲-۱۹۰۸م.](#)

[۱۸۵] [عبدالله دارمی، سنن، ج ۲، ص ۱۵۸، به کوشش عبدالله هاشم یمانی، مدینه، ۱۳۸۶/ق ۱۹۶۶م.](#)

[۱۸۶] [حسین حلیمی، المنهاج فی شعب الایمان، ج ۳، ص ۱۷۷-۱۸۰، بیروت، ۱۹۷۹م.](#)

[۱۸۷] [علی ماوردی، الاحکام السلطانیة، ج ۱، ص ۶، به کوشش انگر، بن، ۱۸۵۳م.](#)

[۱۸۸] [محمد ابویعلی، المعتمد فی اصول‌الدین، ج ۱، ص ۲۳۸، به کوشش ودیع حداد، بیروت، ۱۹۸۴م.](#)

در واقع **خلیفه (امام)** نماد امت (**جماعت**) تلقی می‌شود.

[۱۸۹] [باب ۹، محمد غزالی، فضائح الباطنیة، به کوشش عبدالرحمن بدوی، قاهره، ۱۳۸۳/ق ۱۹۶۴م.](#)

## ۲.۹ - امت و سلطه

در نظر **اهل سنت**، مشروعیت سیاسی را امت تعیین می‌کند و **امر امامت** به امت واگذار شده است.

امت با انتخاب (**اختیار**) امام و با **بیعت** با او براساس **بیمان (عقد)** اجتماعی، به قدرت مشروعیت می‌دهد.

البته علمای اهل سنت ناچار شدند این نظریه را صرفاً در حد گزینش امام از سوی «**اهل حل و عقد**» فرو کاهند که در واقع در بیش‌تر تاریخ اسلام حضوری نمادین و نه واقعی داشته است.

در میان برخی فرق اسلامی نیز این اعتقاد وجود داشته است که با **نفی** هرگونه **سلطه و امامت** یک تن بر امت، ضرورت وجود **امام** را جز در مواقع ضروری و در دوره محدود نفی می‌کرده‌اند.

[۱۹۰] [مسائل الامامة، منسوب به ناشی اکبر، ج ۱، ص ۴۹-۵۰، به کوشش فان اس، بیروت، ۱۹۷۱م.](#)

[۱۹۱] [علی اشعری، مقالات الاسلامیین، ج ۲، ص ۱۴۹، به کوشش محمد محبی‌الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۳۸۹/ق ۱۹۶۹م.](#)

[۱۹۲] [بغدادی، عبدالقاهر، ج ۱، ص ۲۷۱، اصول‌الدین، استانبول، ۱۳۴۶/ق ۱۹۲۸م.](#)

[۱۹۳] [علی ماوردی، الاحکام السلطانیة، ج ۱، ص ۳، به کوشش انگر، بن، ۱۸۵۳م.](#)

[۱۹۴] [علی ماوردی، الاحکام السلطانیة، ج ۱، ص ۲۱-۲۳، به کوشش انگر، بن، ۱۸۵۳م.](#)

در واقع در این نظرگاه وظایف دینی به همه امت و نه به یک شخص واگذار می‌شود. این دیدگاه با اصالت دادن به امت و نه امام، راه را برای هرگونه سلطه و مشروعیتی جز برای امت می‌بندد.

در برابر چنین دیدگاهی، نظرگاهی افراطی از سوی برخی و به ویژه **امویان تبلیغ** می‌شد که طبق آن سخن از سلطان در کنار **قرآن** به میان می‌آمد و به نظریه «**خلافت الله**» منتهی می‌شد.

## ۳ - فهرست منابع

(۱) محمد آجری، اخلاق العلماء، به کوشش حسین خطیب و فاروق حماده، دمشق، ۱۳۹۲/ق ۱۹۷۲م.

(۲) عبدالحمید ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۸-۱۳۸۴/ق ۱۹۵۹-۱۹۶۴م.

(۳) عمرو ابن ابی عاصم، السنة، بیروت، ۱۴۰۰/ق ۱۹۸۰م.

- (٤) عبدالله ابن بطة عكبري، الابانة عن شريعة الفرق الناجية، به كوشش رضا بن نعلان معطي، رياض، ١٤٠٩/ق/١٩٨٨م.
- (٥) عبدالله ابن بطة عكبري، الشرح و الابانة، به كوشش هانري لانوست، دمشق، ١٩٥٨م.
- (٦) احمد ابن تيميه، الامر بالمعروف و النهي عن المنكر، به كوشش صلاح الدين منجد، بيروت، ١٣٩٦/ق/١٩٧٦م.
- (٧) احمد ابن تيميه، رسالة الى السلطان الملك الناصر في شأن التتار، به كوشش صلاح الدين منجد، بيروت، ١٩٧٦م.
- (٨) عبدالرحمن ابن جوزي، المنتظم، حيدرآباد دكن، ٣٥٩ق.
- (٩) ابراهيم، مشيخة ابن طهمان، به كوشش محطاهر ملك، دمشق، ١٤٠٣/ق/١٩٨٣م.
- (١٠) محمد ابن ملجه، السنن، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، ٣٧٢/ق/١٩٥٢م.
- (١١) محمد ابن وضاح البدع و النهي عنها، به كوشش محمد احمد دهمان، دمشق، ٤٠٠/ق/١٩٨٠م.
- (١٢) ابوالفداء، تقويم البلدان، به كوشش رنو و دوسلان، باريس، ١٨٤٠م.
- (١٣) محمد ابويطلي، المعتمد في اصول الدين، به كوشش وبيع حداد، بيروت، ١٩٨٤م.
- (١٤) احمد بن حنبل، مسند، المكتبة الاسلاميه، ٣٨٩/ق/١٩٦٩م.
- (١٥) علي اشعري، مقالات الاسلاميين، به كوشش محمد محبي الدين عبدالحميد، قاهره، ٣٨٩/ق/١٩٦٩م.
- (١٦) محمد باقلاني، اعجاز القرآن، به كوشش احمد صقر، قاهره، دارالمعارف.
- (١٧) محمد باقلاني، التمهيد، به كوشش محمود خضيرى و محمد عبدالهادى ابوريده، قاهره، ٣٦٦/ق/١٩٤٧م.
- (١٨) محمد بخارى، صحيح، به كوشش كرل، لينن، ١٨٦٢-١٩٠٨م.
- (١٩) بغدادى، عبدالقاهر، اصول الدين، استانبول، ٣٤٦/ق/١٩٢٨م.
- (٢٠) محمد بخارى، الفرق بين الفرق، بيروت، ١٩٧٧م.
- (٢١) احمد بيهقي، دلائل النبوة، به كوشش احمد صقر، قاهره، ٣٨٩/ق/١٩٧٠م.
- (٢٢) عبدالمجيد تركى، «اجماع امت مؤمنان، از جوهر عقيدتى تا واقعيته تاريخي»، تحقيقلت اسلامى، تهران، ١٣٦٨ش، س ٤، شم ١-٢.
- (٢٣) محمد ترمذى، سنن، به كوشش احمد محمد شاكرك و ديكران، قاهره، ٣٥٧/ق/١٩٣٨م.
- (٢٤) محمد حاكم نيشابورى، المستدرک، حيدرآباد دكن، ٣٣٤ق.
- (٢٥) حسين حليبي، المنهاج في شعب الايمان، بيروت، ١٩٧٩م.
- (٢٦) احمد خطيب بغدادى، شرف اصحاب الحديث، به كوشش محمد سعيد خطيب اوغلي، آنكارا، ١٩٧١م.
- (٢٧) احمد خطيب بغدادى، الفقيه و المتفقه، به كوشش اسماعيل انصارى، بيروت، ١٩٧٥م.
- (٢٨) احمد خلال، الامر بالمعروف و النهي عن المنكر، به كوشش عبدالقادر احمد عطا، قاهره، ٣٩٥/ق/١٩٧٥م.
- (٢٩) عبدالله دارمى، سنن، به كوشش عبدالله هاشم يمانى، مدينه، ٣٨٦/ق/١٩٦٦م.
- (٣٠) محمد شافعى، الرسالة، به كوشش احمد محمد شاكرك، قاهره، ٣٥٨/ق/١٩٣٩م.
- (٣١) طبرى، اختلاف الفقهاء، لينن، ١٩٣٣م.
- (٣٢) طبرى، تاريخ.
- (٣٣) عبدالحميد كاتب، رسائل، به كوشش احسان عيسى، عمان، ١٩٨٨م.
- (٣٤) محمد غزالى، احياء علوم الدين، قاهره، ٢٨٩ق.
- (٣٥) محمد غزالى، فضائح الباطنية، به كوشش عبدالرحمن بدوى، قاهره، ٣٨٣/ق/١٩٦٤م.
- (٣٦) محمد فارابى، آراء اهل المدينة الفاضلة، به كوشش البير نصرى نادر، بيروت، ١٩٧٣م.
- (٣٧) قاضى عبدالجبار، تثبيت دلائل النبوة، به كوشش عبدالكريم عثمان، بيروت، ٣٨٦/ق/١٩٦٦م.
- (٣٨) قرآن كريم.
- (٣٩) مالك بن انس، الموطأ، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، ٣٧٠/ق/١٩٥١م.
- (٤٠) على ماوردى، الاحكام السلطانية، به كوشش انكر، ١٨٥٣م.
- (٤١) على، ادب الدنيا و الدين، قاهره، ١٩٧٣م.
- (٤٢) مسائل الامامة، منسوب به ناشى اكبر، به كوشش فن اس، بيروت، ١٩٧١م.

#### ٤ - پانويس

١. ↑ عبدالمجيد تركى، «اجماع امت مؤمنان، ج ١، ص ٣٠، از جوهر عقيدتى تا واقعيته تاريخي»، تحقيقلت اسلامى، تهران، ١٣٦٨ش، س ٤، شم ١-٢.
٢. ↑ محمد فارابى، آراء اهل المدينة الفاضلة، ج ١، ص ١١٧، به كوشش البير نصرى نادر، بيروت، ١٩٧٣م.
٣. ↑ ابوالفداء، تقويم البلدان، ج ١، ص ٢٢٢، به كوشش رنو و دوسلان، باريس، ١٨٤٠م.
٤. ↑ بقره /سوره ٢، آيه ٢١٣.
٥. ↑ آل عمران /سوره ٣، آيه ١١٠.
٦. ↑ بقره /سوره ٢، آيه ١٤٣.
٧. ↑ عبدالمجيد تركى، «اجماع امت مؤمنان، ج ١، ص ٣٠، از جوهر عقيدتى تا واقعيته تاريخي»، تحقيقلت اسلامى، تهران، ١٣٦٨ش، س ٤، شم ١-٢.
٨. ↑ عبدالحميد كاتب، رسائل، ج ١، ص ٢١١، به كوشش احسان عيسى، عمان، ١٩٨٨م.
٩. ↑ محمد باقلاني، اعجاز القرآن، ج ١، ص ٤٨، به كوشش احمد صقر، قاهره، دارالمعارف.
١٠. ↑ عبدالحميد ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ٨، ص ٢٤١، به كوشش محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره، ١٣٧٨-١٣٨٤/ق/١٩٥٩-١٩٦٤م.
١١. ↑ احمد ابن تيميه، رسالة الى السلطان الملك الناصر في شأن التتار، ج ١، ص ١٠٠-٩٠، به كوشش صلاح الدين منجد، بيروت، ١٩٧٦م.
١٢. ↑ حجر /سوره ١٥، آيه ٩.
١٣. ↑ احمد بيهقي، دلائل النبوة، ج ١، ص ٥٤، به كوشش احمد صقر، قاهره، ٣٨٩/ق/١٩٧٠م.
١٤. ↑ آل عمران /سوره ٣، آيه ١١٠.
١٥. ↑ قاضى عبدالجبار، تثبيت دلائل النبوة، ج ٢، ص ٣٥٢-٣٥٣، به كوشش عبدالكريم عثمان، بيروت، ٣٨٦/ق/١٩٦٦م.
١٦. ↑ احمد بيهقي، دلائل النبوة، ج ١، ص ٣٣٦-٣٤٠، به كوشش احمد صقر، قاهره، ٣٨٩/ق/١٩٧٠م.
١٧. ↑ محمد بخارى، صحيح، ج ٢، ص ٣٨٠، به كوشش كرل، لينن، ١٨٦٢-١٩٠٨م.
١٨. ↑ عبدالله دارمى، سنن، ج ٢، ص ٢٢١، به كوشش عبدالله هاشم يمانى، مدينه، ٣٨٦/ق/١٩٦٦م.
١٩. ↑ محمد ابن ملجه، السنن، ج ١، ص ٣٤٤، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، ٣٧٢/ق/١٩٥٢م.
٢٠. ↑ احقاف /سوره ٤٦، آيه ٩.

٢١. ↑ اعراف /سور ٧، آيه ١٥٧.
٢٢. ↑ سبا /سور ١٣، آيه ٢٨.
٢٣. ↑ ١٤٧، ١٤٨، محمد باقلاني، التمهيد، به كوشش محمود خضيرى و محمد عبدالهادى ابوريده، قاهره، ١٣٦٦ق/١٩٤٧م.
٢٤. ↑ محمد ابويعلی، المعتمد في اصول الدين، ج ١، ص ١٥٨، به كوشش وديع حداد، بيروت، ١٩٨٤م.
٢٥. ↑ انبياء /سور ٢١، آيه ١٠٥.
٢٦. ↑ توبه /سور ٩، آيه ٣٣.
٢٧. ↑ طبرى، اختلاف الفقهاء، ج ١، ص ٢-١، لين، ١٩٣٣م.
٢٨. ↑ طبرى، تاريخ، ج ٣، ص ٥٢٣.
٢٩. ↑ محمد شافعى، الرسالة، ج ١، ص ٤٠٣، به كوشش احمد محمد شاكرا، قاهره، ١٣٥٨ق/١٩٣٩م.
٣٠. ↑ محمد شافعى، الرسالة، ج ١، ص ٤٧٣-٤٧٦، به كوشش احمد محمد شاكرا، قاهره، ١٣٥٨ق/١٩٣٩م.
٣١. ↑ محمد ابن ماجه، السنن، ج ٢، ص ١٣٠٣، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، ١٣٧٢ق/١٩٥٢م.
٣٢. ↑ مسائل الامامة، منسوب به ناشئ اكبر، ج ١، ص ٥٢، به كوشش فان اس، بيروت، ١٩٧١م.
٣٣. ↑ محمد شافعى، الرسالة، ج ١، ص ٤٧١، به كوشش احمد محمد شاكرا، قاهره، ١٣٥٨ق/١٩٣٩م.
٣٤. ↑ محمد شافعى، الرسالة، ج ١، ص ٥٣٤، به كوشش احمد محمد شاكرا، قاهره، ١٣٥٨ق/١٩٣٩م.
٣٥. ↑ احمد خطيب بغدادى، الفقيه و المتفقه، ج ١، ص ٢-١، به كوشش اسماعيل انصارى، بيروت، ١٩٧٥م.
٣٦. ↑ نحل /سور ١٦، آيه ٤٣.
٣٧. ↑ احمد بيهقى، دلائل النبوة، ج ١، ص ٥٤، به كوشش احمد صقر، قاهره، ١٣٨٩ق/١٩٧٠م.
٣٨. ↑ عبدالرحمان ابن جوزى، المنتظم، ج ٨، ص ١١٠، حيدرآباد دكن، ١٣٥٩ق.
٣٩. ↑ محمد شافعى، الرسالة، ج ١، ص ٣٢، به كوشش احمد محمد شاكرا، قاهره، ١٣٥٨ق/١٩٣٩م.
٤٠. ↑ ابراهيم، مشيخة ابن طهمن، ص ١٦٥، به كوشش محمبطاهر مالك، دمشق، ١٤٠٣ق/١٩٨٣م.
٤١. ↑ احمد بن حنبل، مسند، ج ٥، ص ٤، المكتبة الاسلاميه، ١٣٨٩ق/١٩٦٩م.
٤٢. ↑ احمد بن حنبل، مسند، ج ٥، ص ٣٧، المكتبة الاسلاميه، ١٣٨٩ق/١٩٦٩م.
٤٣. ↑ محمد بخارى، صحيح، ج ١، ص ٢٨، به كوشش كرل، لين، ١٨٦٢-١٩٠٨م.
٤٤. ↑ محمد بخارى، صحيح، ج ١، ص ٣٨، به كوشش كرل، لين، ١٨٦٢-١٩٠٨م.
٤٥. ↑ محمد ابن ماجه، السنن، ج ١، ص ٨٥-٨٦، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، ١٣٧٢ق/١٩٥٢م.
٤٦. ↑ احمد خطيب بغدادى، شرف اصحاب الحديث، ج ١، ص ١٨، به كوشش محمد سعيد خطيب اوغلى، آنكارا، ١٩٧١م.
٤٧. ↑ محمد ابن وضاح، البدع و النهى عنها، ج ١، ص ٢، به كوشش محمد احمد دهمان، دمشق، ١٤٠٠ق/١٩٨٠م.
٤٨. ↑ احمد خطيب بغدادى، شرف اصحاب الحديث، ج ١، ص ٢٨، به كوشش محمد سعيد خطيب اوغلى، آنكارا، ١٩٧١م.
٤٩. ↑ احمد بن حنبل، مسند، ج ٥، ص ١٩٦، المكتبة الاسلاميه، ١٣٨٩ق/١٩٦٩م.
٥٠. ↑ محمد بخارى، صحيح، ج ١، ص ٢٨، به كوشش كرل، لين، ١٨٦٢-١٩٠٨م.
٥١. ↑ عبدالله دارمى، سنن، ج ١، ص ٨٣، به كوشش عبدالله هاشم يمانى، مدينه، ١٣٨٦ق/١٩٦٦م.
٥٢. ↑ محمد آجرى، اخلاق العلماء، ج ١، ص ٢٥-٢٩، به كوشش حسين خطيب و فاروق حماده، دمشق، ١٣٩٢ق/١٩٧٢م.
٥٣. ↑ مالك بن انس، الموطأ، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، ١٣٧٠ق/١٩٥١م.
٥٤. ↑ عبدالله ابن بطه عكرى، الابانة عن شريعة الفرق الناجيه، ج ١، ص ٢٣٢-٢٣٤، به كوشش رضا بن نعلان معطى، رياض، ١٤٠٩ق/١٩٨٨م.
٥٥. ↑ احمد بن حنبل، مسند، ج ٢، ص ٣٣٢، المكتبة الاسلاميه، ١٣٨٩ق/١٩٦٩م.
٥٦. ↑ احمد بن حنبل، مسند، ج ٣، ص ١٤٥، المكتبة الاسلاميه، ١٣٨٩ق/١٩٦٩م.
٥٧. ↑ احمد بن حنبل، مسند، ج ٤، ص ١٠٢، المكتبة الاسلاميه، ١٣٨٩ق/١٩٦٩م.
٥٨. ↑ عمرو ابن ابى عاصم، السنة، بيروت، ١٤٠٠ق/١٩٨٠م.
٥٩. ↑ محمد ابن ماجه، السنن، ج ٢، ص ١٣٢٢، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، ١٣٧٢ق/١٩٥٢م.
٦٠. ↑ عبدالله ابن بطه عكرى، الشرح و الابانة، ص ٨، به كوشش هانرى لائوست، دمشق، ١٩٥٨م.
٦١. ↑ محمد شافعى، الرسالة، ج ١، ص ٤٠٣، به كوشش احمد محمد شاكرا، قاهره، ١٣٥٨ق/١٩٣٩م.
٦٢. ↑ محمد ترمذى، سنن، ج ٤، ص ٤٦٦، به كوشش احمد محمد شاكرا و ديكران، قاهره، ١٣٥٧ق/١٩٣٨م.
٦٣. ↑ محمد ابن ماجه، السنن، ج ٢، ص ١٣٠٢، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره، ١٣٧٢ق/١٩٥٢م.
٦٤. ↑ محمد حاكم نيشابورى، المستدرک، ج ١، ص ١١٥-١١٧، حيدرآباد دكن، ١٣٣٤ق.
٦٥. ↑ انعام /سور ٦، آيه ١٥٣.
٦٦. ↑ محمد ابن وضاح، البدع و النهى عنها، ج ١، ص ٣١، به كوشش محمد احمد دهمان، دمشق، ١٤٠٠ق/١٩٨٠م.
٦٧. ↑ عبدالله ابن بطه عكرى، الابانة عن شريعة الفرق الناجيه، ج ١، ص ٢٩٣-٢٩٥، به كوشش رضا بن نعلان معطى، رياض، ١٤٠٩ق/١٩٨٨م.
٦٨. ↑ محمد ابن وضاح، البدع و النهى عنها، ج ١، ص ٣٢، به كوشش محمد احمد دهمان، دمشق، ١٤٠٠ق/١٩٨٠م.
٦٩. ↑ احمد خطيب بغدادى، شرف اصحاب الحديث، ج ١، ص ٨-٩، به كوشش محمد سعيد خطيب اوغلى، آنكارا، ١٩٧١م.
٧٠. ↑ محمد ابن وضاح، البدع و النهى عنها، ج ١، ص ٣٣-٣٤، به كوشش محمد احمد دهمان، دمشق، ١٤٠٠ق/١٩٨٠م.
٧١. ↑ احمد بن حنبل، مسند، ج ٥، ص ٣٨٦، المكتبة الاسلاميه، ١٣٨٩ق/١٩٦٩م.
٧٢. ↑ محمد بخارى، صحيح، ج ٤، ص ٣٧٢، به كوشش كرل، لين، ١٨٦٢-١٩٠٨م.
٧٣. ↑ آل عمران /سور ٣، آيه ١١٠.
٧٤. ↑ حج /سور ٢٢، آيه ٤١.
٧٥. ↑ اعراف /سور ٧، آيه ١٥٧.
٧٦. ↑ اعراف /سور ٧، آيه ١٦٥.
٧٧. ↑ توبه /سور ٩، آيه ٧١.
٧٨. ↑ احمد خلال، الامر بالمعروف و النهى عن المنكر، ج ١، ص ١٠٥، به كوشش عبدالقادر احمد عطا، قاهره، ١٣٩٥ق/١٩٧٥م.

۷۹. [↑](#) احمد خطیب بغدادی، شرف اصحاب الحدیث، ج ۱، ص ۴۶، به کوشش محمد سعید خطیب اوغلی، آنکارا، ۱۹۷۱م.
۸۰. [↑](#) احمد ابن تیمیه، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، ج ۱، ص ۱۵-۱۶، به کوشش صلاح الدین منجد، بیروت، ۱۳۹۶ق/۱۹۷۶م.
۸۱. [↑](#) محمد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۲۷۸-۲۷۹، قاهره، ۱۲۸۹ق.
۸۲. [↑](#) محمد ابویعلی، المعتمد فی اصول الدین، ج ۱، ص ۱۹۷، به کوشش ودیع حداد، بیروت، ۱۹۸۴م.
۸۳. [↑](#) محمد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۲۷۳، قاهره، ۱۲۸۹ق.
۸۴. [↑](#) محمد بخاری، صحیح، ج ۴، ص ۳۸۵، به کوشش کرل، لین، ۱۸۶۲-۱۹۰۸م.
۸۵. [↑](#) عبدالله دارمی، سنن، ج ۲، ص ۱۵۸، به کوشش عبدالله هاشم یمانی، مدینه، ۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م.
۸۶. [↑](#) حسین حلیمی، المنهاج فی شعب الایمان، ج ۳، ص ۱۷۷-۱۸۰، بیروت، ۱۹۷۹م.
۸۷. [↑](#) علی ماوردی، الاحکام السلطانیة، ج ۱، ص ۶، به کوشش انگر، بن، ۱۸۵۳م.
۸۸. [↑](#) محمد ابویعلی، المعتمد فی اصول الدین، ج ۱، ص ۲۳۸، به کوشش ودیع حداد، بیروت، ۱۹۸۴م.
۸۹. [↑](#) بلب ۹، محمد غزالی، فضائح الباطنیة، به کوشش عبدالرحمان بدوی، قاهره، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۴م.
۹۰. [↑](#) مسائل الامامة، منسوب به ناشی اکبر، ج ۱، ص ۴۹-۵۰، به کوشش فان اس، بیروت، ۱۹۷۱م.
۹۱. [↑](#) علی اشعری، مقالات الاسلامیین، ج ۲، ص ۱۴۹، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، قاهره، ۱۳۸۹ق/۱۹۶۹م.
۹۲. [↑](#) بغدادی، عبدالقاهر، ج ۱، ص ۲۷۱، اصول الدین، استانبول، ۱۳۴۶ق/۱۹۲۸م.
۹۳. [↑](#) علی ماوردی، الاحکام السلطانیة، ج ۱، ص ۳، به کوشش انگر، بن، ۱۸۵۳م.
۹۴. [↑](#) علی ماوردی، الاحکام السلطانیة، ج ۱، ص ۲۱-۲۳، به کوشش انگر، بن، ۱۸۵۳م.

#### ۵ - منبع

دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، برگرفته از مقاله «امت»، ج ۱۰، ص ۳۹۳۱.

رده‌های این صفحه: [تفسیر](#) | [قرآن شناسی](#) | [واژگان قرآنی](#)